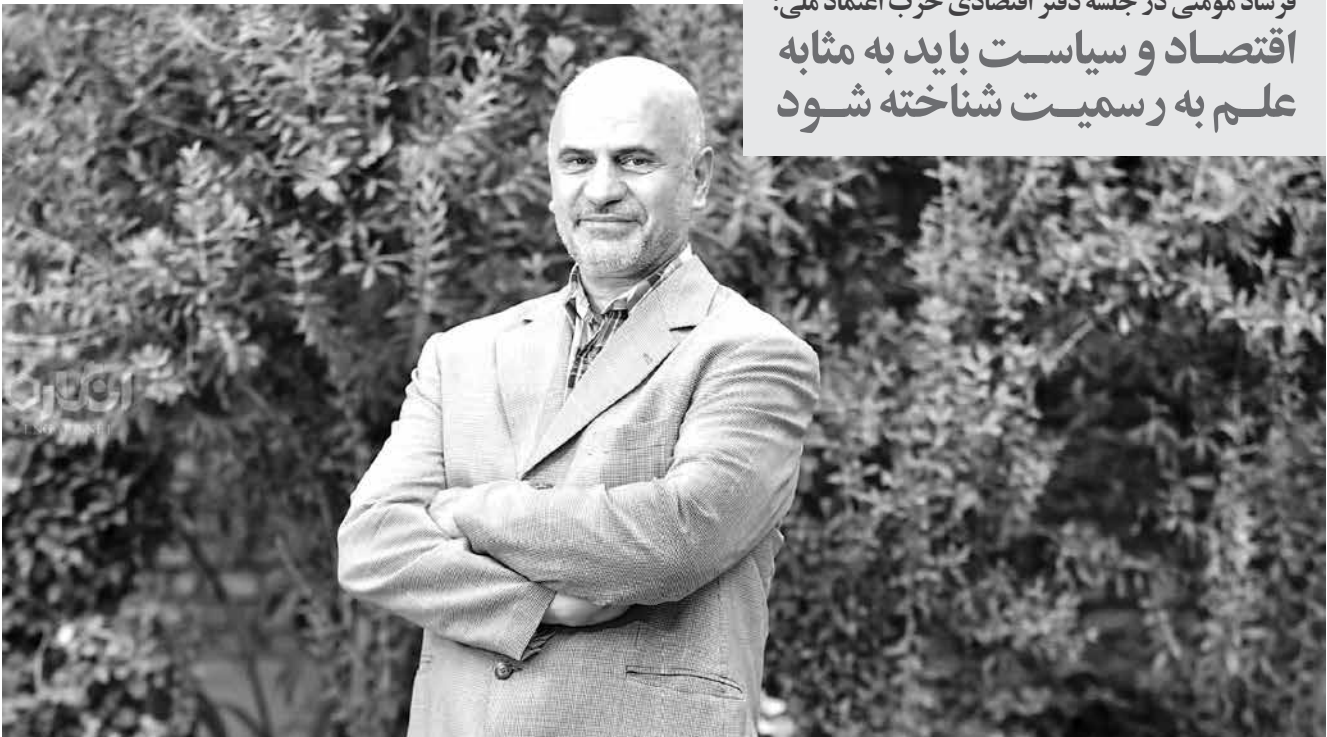


فرشاد مومنی در جلسه دفتر اقتصادی حزب اعتماد ملی: اقتصاد و سیاست باید به مثابه علم به رسمیت شناخته شود



درصد تصمیم‌گیری‌هایی که همین الان جریان دارد به این شکل انجام نمی‌شد اما متأسفانه اساس، بر مواجهه علمی با مسائل نیست. نکته‌ای که مطرح کردیم این بود که وقتی با متغیرهای کلان اتفاقات را نگاه می‌کنیم عموماً اوضاع خوبی در کشورهایی که بهار عربی در آنها رخ داد، حاکم بوده و متغیرهای کلان از میانگین ۲۰ ساله بالاتر بوده است. اما اینجا با تقدم رتبه‌ای مسائل کلان به سطح خرد رو به رو هستیم. نظام‌های دیده‌بانی در بهترین حالت، تمرکزشان روی تحلیل‌های کلان است.

این اقتصاددان نهادگرا با بیان اینکه ما به یک بلوغ اندیشه‌ای نیاز داریم، گفت: سال ۹۵ رشد اقتصادی ایران شماره یک بود اما با استانداردهای سطح توسعه با یک فروافتادگی بی‌سابقه در آن سال رو به رو هستیم. سال ۹۵ نارضایتی عمومی چه در ساختار قدرت چه عامه مردم از سال‌های قبل شدیدتر است.

این عدد و رقم‌ها به خودی خود به ما چیزی نمی‌گوید باید دید ما با چه دیدی به آن نگاه

فرد و گروه و دستگاهی نیست. وی افزود: ما از جنبه معرفت‌شناختی می‌گوییم در زمینه اقتصاد با یک مشترک لفظی رو به رو هستیم به نام اقتصاد که این مشترک لفظی در سه سطح تحلیلی متفاوت که هم پرابلماتیکش متفاوت است، هم روش‌شناسی‌اش متفاوت است و هم ابزارهای تحلیلی‌اش متفاوت است اطلاق می‌شود.

یک موقع درباره بازیگران سطح خرد صحبت می‌کنیم این یک رشته علمی متفاوت و خاص خودش است. یک موقع درباره سطح کلان اقتصاد صحبت می‌کنیم و یک موقع می‌گوییم اقتصاد و منظورمان تحلیل‌های سطح توسعه است.

ارزیابی‌های ما می‌گوید یکی از کانون‌های اصلی بحران اندیشه‌ای در اداره اقتصادی ایران این است که این سه سطح با هم مخلوط شده‌اند. اینکه برنامه‌نویسی و با ابزارهای خرد بخوای محقق بکنی نمی‌شود.

این اقتصاددان با اشاره به کار تحقیقاتی روی اقتصاد سیاسی بهار عربی، اظهار کرد: اگر آن تحقیق را زیر ذره بین قرار می‌دادند بیش از ۵۰

نشست دفتر اقتصادی حزب اعتماد ملی با عنوان چالش‌ها و راه‌حل‌های مسائل اقتصادی ایران با حضور فرشاد مومنی، اقتصاددان، در دفتر حزب اعتماد ملی برگزار شد.

فرشاد مومنی در این نشست با اشاره به نظر استاد عالی‌نسب درباره علم اقتصاد و سیاست، با بیان اینکه هر جای دنیا بهبودی به وجود می‌آید، این بهبودی در بالاترین سطح از کانال علم اقتصاد و علم سیاست می‌گذرد، گفت: گرفتاری امروز کشور ما این است که این دو علم نه در ساختار قدرت و نه در بدنه اجتماعی جدی گرفته نمی‌شوند. باید تلاش کنیم تا جایی که در توان داریم کمک کنیم که اقتصاد و سیاست به مثابه علم به رسمیت شناخته شود و برای این اتفاق باید تلاش‌های طاقت‌فرسایی کرد.

وی افزود: آن فهم بایسته حداقلی در نظام تصمیم‌گیری ما در زمینه اقتصادی تقریباً مماس بر صفر است یعنی آنچه ما فکر می‌کنیم تصمیم‌گیری‌ها حساب و کتاب و مبانی‌ای دارد اما نسبت این حساب و کتاب‌ها به مبانی بنیادی اقتصاد، نزدیک به صفر است. این جسارت به هیچ

اختلاف‌های نظری بنیادی در سراسر دنیا به تحلیل برمی‌گردد. اختلاف نظرها درباره منشأهای اوضاع و پیامدهایش است و واقعیت شرایط فعلی را قبول دارند. اما در جلسات تحت عنوان اقتصاد، اگر بخش کوچکی از واقعیت را مطرح کنیم آنقدر فقر دانش اقتصادی است که همه حیران می‌شوند

در لایحه بودجه ۹۱ می‌بینیم نه تنها کل دریافتی‌های نفت را خرج می‌کنند بلکه بدهی هم ایجاد می‌کنند. همین روند را در دولت روحانی دنبال کنیم می‌گوییم صد رحمت به دولت قبل از آن. یکی از فلسفه‌های انقلاب اسلامی این بود که ما را از تک‌محصولی خاک فروشی نجات دهد. حالا باید آرزو کنیم که عایدات نفت تکافوی حاملان را بکند. هر چه به سال‌های جدید نزدیک می‌شویم این تحول‌های بنیادی ماهوی بیشتر اتفاق می‌افتد که پیامدهای بزرگ‌تری برای آینده کشور دارد. مومنی افزود: این آلرژی مشکوکی که به سازمان‌یابی مردم وجود دارد باید بهبود پیدا کند و دوستان به این نتیجه برسند جامعه‌ای که سازمان‌یافته نباشد، ممکن نیست به خوداتکالی برسد. اینجا احزاب هم باید فعال شوند. اساس سازمان‌یابی مردم این است که اندیشه‌های

پیش آمده بود. بر اساس مطالعه‌ای که در آن سال کردیم تحریم‌های در واقع افتضاح سیستم تصمیم‌گیری را برملا کرد. ما به داده‌های لایحه بودجه ۹۱ استناد کردیم که سال ۹۰ و قبل از شدت یافتن موج تحریم‌ها و در شرایط نفت بالای صد دلاری تنظیم شده بود.

در سند لایحه بودجه ۹۱ برای اینکه منابع دولت در یک سال و مصارفش، به شکل صوری تراز نشان داده شود، پیش‌بینی کرده بودند که از سه محل به‌طور دوپینگی منابعی تامین کنند؛ یکی وام‌های داخلی از سیستم بانکی و وام‌گیری‌های خارجی و دیگری انتشار اوراق. ما این سه را جمع کردیم و دیدیم مجموع منابع که از این سه محل در لایحه دیده‌اند ۲,۴ برابر سهم نفت در بودجه عمومی کشور است.

این اقتصاددان در ادامه افزود: افراطی‌ترین طرفداران آن دولت هم معترف بودند که این لایحه وابستگی به نفت را به شکل غیرمعارفی افزایش داده است. ما گفتیم قبل از تحریم‌ها کشور را ورشکسته کرده‌اند و با فروپاشی مالی دولت رو به رو هستیم. ما با گذر خطرناک از دولت خام‌فروش به دولت آینده فروش مواجه بودیم و هستیم. اقتصاددان‌ها می‌گویند اگر منابع را فروختید و کل درآمدش را صرف امور جاری کردید، خیانت کرده‌اید.

می‌کنیم. مومنی ادامه داد: ما یک اقتصاد سیاسی رانتی را مشاهده می‌کنیم که شدت عدم شفافیت در آن به حدی است که اگر گوشه‌هایی از واقعیت را توصیف کنیم دچار بهت می‌شویم و مجال تحلیل روی توصیف واقعیت داده نمی‌شود.

او با تاکید بر اینکه رکن بلوغ اندیشه‌ای، مقام تحلیل است، گفت: ما در مقام تحلیل بررسی می‌کنیم که منشأ اصلی مشکلات چیست و چه پیامدهایی دارد. اختلاف‌های نظری بنیادی در سراسر دنیا به تحلیل برمی‌گردد. اختلاف نظرها درباره منشأهای اوضاع و پیامدهایش است و واقعیت شرایط فعلی را قبول دارند. اما ما در جلسات تحت عنوان اقتصاد، اگر بخش کوچکی از واقعیت را مطرح کنیم آنقدر فقر دانش اقتصادی است که همه حیران می‌شوند.

این اقتصاددان با اشاره به تلاش دولت برای دریافت وام ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول، گفت: در عین حال هفته پیش رییس بانک مرکزی گفت که ما از سال ۸۴ تا الان ۲۸۰ میلیارد دلار منابع ارزی بین نسلی کشور را صرف ساماندهی بازار ارز کرده‌ایم.

برآوردها هم می‌گوید ۳۵۰ میلیارد دلار از سال ۶۸ تا الان صرف این موضوع شده است که هزار عارضه اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی داشته و دستاوردها چه بوده؟ قیمت ارز بیش از ۲ هزار برابر شده است. این بهایی است که جامعه داده و اینقدر هزینه فرصت از دست داریم. در واقع گرفتار فرایندهایی هستیم که صدای کارشناس شنیده نمی‌شود. این همه اتلاف منابع شد کدام نهاد نظارتی نظارت می‌کند؟

فرشاد مومنی با بیان اینکه نظرات بنیادی در سطح توسعه وجود دارد که با وجود این اقتصاد سیاسی موجود، دیده و مطرح نمی‌شود چه برسد که مطرح شود، اظهار کرد: از منظر تحلیل‌های سطح توسعه من سال ۹۱ گفتم که یک تحول بنیادی در ماهیت حکومت اتفاق افتاده است. در سال ۹۲ در درون ساختار قدرت که حکومت یکپارچه بود بر سر اینکه منشأ اصلی نابسامانی‌های موجود تحریم است یا ضعف بنیه تحلیلی و فساد داخلی، اختلاف نظر



توزیع عادلانه قدرت یکی از حیاتی‌ترین مسائل توسعه است و بزرگ‌ترین متفکران توسعه می‌گویند توزیع عادلانه قدرت رکن کلیدی حرکت به سمت توسعه است اما الان چشم‌اندازهای بسیار نگران‌کننده‌ای در این زمینه در ایران شاهدیم

کوتاه‌نگرانه را به اندیشه‌های دورنگر تبدیل کنند. از این رو اولویت حزب باید مسائل بنیادی و اندیشه‌ای باشد. وقتی با مسائل اندیشه‌ای سهل‌انگارانه و بزن‌دررویی نگاه می‌کنیم به اینجا می‌رسیم. ما با خلأ معرفتی روبه‌رو هستیم و اساس بر کوتاه‌گری و ترجیح به امور کوتاه‌مدت بر امور بلندمدت بوده است.

او با بیان اینکه در ۲ سال گذشته از نظر تحول بنیادی ماهوری اقتصاد ایران، سال ۹۷ هم یک نقطه عطف است، گفت: در این سال برای اولین بار در تاریخ اقتصادی رانتی ایران، سهم رانت خلق شده از سیاست‌های اقتصادی نادرست، از رانت خلق شده از محل نفت بیشتر شده است. این دلالت‌های خطرناکی دارد و اگر دیر بجنبیم هزینه‌هایش می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد. اما همچنان در بر همان پاشنه غیر شفاف بودن و بی‌ضابطه حرف زدن است.

وی ادامه داد: این مناسبات این را می‌طلبد که یکی از مقام‌های عالی‌رتبه به نمایندگان مجلس گزارش می‌دهد و یکی از ارکان گزارش این است که ما توانستیم در سال جاری بیکاری را کاهش دهیم. این رکیک‌ترین توهین به هر کسی است که این حرف را می‌شنود. چطور می‌شود؟ چرا آن فرد به صلاح خود و هم‌پیمانانش می‌بیند که اینطور حرف بزند؟ از طرفی ساختار انگیزشی طوری است که از وقتی این حرف گفته شد، حتی یک مقاله و یک پرسش‌کننده وجود نداشت که بگوید این چه حرفی است که می‌زنی. احزاب باید بیایند جواب این حرف را بدهند.

این اقتصاددان با اشاره به اینکه از سال ۱۹۸۰ یک رکن توسعه کره جنوبی، اعتقاد به آیین کنفوسیوس بوده است، گفت: باورهای دینی می‌تواند در توسعه اقتصادی موثر باشد. یک آیین با یک نگاه می‌تواند منجر به توسعه شود و با یک نگاه بیشترین تاثیر را در انحطاط اقتصادی دارد. اینکه به کدام اسلام اعتقاد داریم خیلی مهم است. شهید بهشتی می‌گوید در جامعه‌ای که ربا وجود دارد این وضعیت لجنزار است اما روایت دیگری از اسلام می‌گوید جامعه هر چقدر هم ربوی باشد اولویت ما زلف خانم‌ها است. مومنی با اشاره به دو دیدگاه اقتصادی مطرح، اظهار کرد: کارنامه یکی از این دو دیدگاه بعد از سی سال روشن شده است. چرا حکومت نمی‌بیند و درس نمی‌گیرد؟ در ایران در سطح شعار و آرزو، حکومت ایران یکی از ضد امپریالیستی‌ترین حکومت‌های دنیاست، اما چون متر نگاه توسعه‌ای را نداریم باید برویم سراغ نشانه‌ها. وقتی برنامه چهارم توسعه در سال ۸۳ طراحی شد پیش‌بینی رشد متوسط ۸ درصدی مطرح شده بود. پیش‌بینی شده بود برای این رشد، سال ۱۶٫۵ میلیارد دلار هزینه شود. در سال ۱۳۹۵ بار دیگر بحث رشد ۸ درصدی اقتصادی، در سیاست‌های کلی مطرح می‌شود و برای این رشد، تزریق سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد ملی پیش‌بینی می‌شود و این یعنی افزایش وابستگی ذلت‌آور به خارج برای رسیدن به رشد ۸ درصدی.

این اقتصاددان در ادامه به سوالات حاضران در جلسه پاسخ داد و با تاکید بر اینکه ما باید فهم از توسعه داشته باشیم و متناسب با آن، درباره اقتضات زمانه برنامه‌ریزی کنیم، افزود: من در نقد دولت متغیرهای درون‌زا را که در اختیار خود دولت است مطرح می‌کنم.

متغیرهای برون‌زای داخل کشور و متغیرهای خارجی را مورد نقد قرار نمی‌دهم. سال ۹۴ کتاب اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز را نوشتم و نشان دادم صرف نظر از آنچه در ساختار قدرت چه می‌گذرد آنچه منحصراً در اختیار دولت است، مطلقاً بهبود وضعیت در برنامه‌های دولت وجود ندارد. اگر

همه عوامل داخلی و خارجی هم نقش نداشتند، آن سیاست‌های غلط به‌تنهایی استعداد بحران‌آفرینی داشتند.

مومنی اظهار کرد: در اصل مناسبات رانتی تفاوتی بین دولت روحانی و دولت قبل از آن وجود نداشت و نقطه تفاوت، در کانون‌های اصابت رانت‌ها بود.

او با بیان اینکه عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران، از مسیر استراتژی توسعه عادلانه می‌گذرد، افزود: توزیع عادلانه قدرت یکی از حیاتی‌ترین مسائل توسعه است و بزرگ‌ترین متفکران توسعه می‌گویند توزیع عادلانه قدرت رکن کلیدی حرکت به سمت توسعه است اما الان چشم‌اندازهای بسیار نگران‌کننده‌ای در این زمینه در ایران شاهدیم. در ایران در هر دوره‌ای که از نظر توزیع عادلانه قدرت یک مقدار به گروه‌های دیگر راه داده شده، به‌طور نسبی کارنامه اقتصادی قابل دفاع‌تر است.

در دولت آقای خاتمی که به‌طور نسبی توزیع عادلانه قدرت صورت گرفت، کارنامه اقتصادی دولت به مراتب قابل دفاع‌تر از دوره‌های قبل و بعد است. این بر اساس مطالعه مرکز پژوهش‌های مجلس اصولگرا است که ارزشی هر واحد جی دی پی در دولت بعد از دولت آقای خاتمی، پنج برابر نسبت به دوره خاتمی افزایش یافت.

این یعنی افزایش وابستگی به خارج. شاید کسانی که فضا را محدود کردند نمی‌خواستند ایران اینقدر وابسته به خارج باشد و وضعیت اقتصادی به این شکل باشد، اما تلاش برای یکدستی در حکومت چنین نتیجه‌ای داشته و دارد. گویی آن تجربه کفایت نکرده است.

او همچنین درباره خصوصی‌سازی و اقتصاد دولتی اظهار کرد: مساله ما اصلاً اقتصاد دولتی در برابر اقتصاد خصوصی نیست. بازارگرایی در ایران در واقع اسم رمز استقرار مناسبات رانتی مبتنی بر قانون جنگل است.

آنچه از نظر صنعت‌زدایی در ایرات رخ داد اگر ۱۰ درصدش در یک کشور صنعتی رخ داده بود وضعیت قرمز اعلام می‌شد. بنابر این الان مساله ما خصوصی و دولتی نیست.